

اشتباه بزرگ شریف امامی

نقش مهاجرت امام خمینی (ره) به پاریس در تسریع سقوط حکومت پهلوی

سجاد راعی گُلوجه *

«رژیم پهلوی گمان می‌کرد دورتر شدن محل تبعید امام خمینی (ره) از ایران باعث تضعیف نهضت خواهد شد و بر همین اساس دیپلماسی منطقه‌ای خود را بر عدم پذیرش امام از سوی کشورهای منطقه قرار داده بود. اما نتیجه کار طور دیگری رقم خورد. شرایط قانونی و عرفی فرانسه به رهبران و نخبگان سیاسی امکان می‌داد به نشر آزادانه افکار خود بپردازند و انقلابیون مخالف رژیم پهلوی از این شرایط به خوبی استفاده کردند و حول محور حضرت امام (ره) به گسترش و انتشار ایده‌های نهضت و انجام مقدمات تشکیل شورای انقلاب پرداختند. امام (ره) استراتژی و اهداف انقلاب را از فرانسه به مردم ایران و جهان ابلاغ می‌کرد و سرانجام بر اثر فرصت‌های به دست آمده در فرانسه، سرنگونی رژیم شاه به گونه‌ای باور نکردنی تسریع گردید. مقاله حاضر به بررسی و تحلیل نقش مهاجرت امام به پاریس و تاثیر خاص فضای فرانسه بر تسریع انقلاب ۱۳۵۷ می‌پردازد.

■ ■ ■

حکومت پهلوی پس از سپری کردن بیش از پنجاه و سه سال حاکمیت پرفراز و نشیب و عبور از بحرانیهای کوچک و بزرگ، سرانجام در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ به طور کامل سقوط کرد. تاکنون بررسی‌ها و پژوهش‌های زیادی در خصوص علل و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب، در داخل و خارج از کشور صورت گرفته و بسیاری از زوایای آن روشن شده است. در این میان یک عامل مهم و در عین حال تسریع کننده سقوط حکومت پهلوی، تا حدودی از دید محققان و مورخان به دور مانده و توجه کافی بدان معطوف نشده است و آن، مهاجرت امام خمینی در چهاردهم مهر ۱۳۵۷ از نجف به پاریس و اقامت صد و نوزده روزه ایشان در آن شهر می‌باشد که سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی حکومت پهلوی منتهی گردید. مجبور کردن امام به این مهاجرت - که به دنبال تحولات ناشی از توافقنامه صلح الجزیره میان دو کشور ایران و عراق صورت گرفت - پیامدهایی بسیار متفاوت با پیش فرضهای حکومت

پهلوی در پی داشت. مساعدت زمان و مکان با توجه به ویژگیهای کشور میزبان (فرانسه)، فضای مستعد برای فعالیتهای سیاسی، دسترسی به مطبوعات مستقل، امکان ارتباط آسان با ایران از طرق مختلف (تلفن، تلگراف، رفت و آمد مبارزان و...) و بهره‌گیری مناسب از آموزه‌های مقلد (مرجعیت)، مصاحبه‌ها، دیدارها و مذاکره‌های گوناگون و سایر عوامل، دست به دست هم دادند و از این طریق نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره)، جنبه و بعدی جهانی پیدا کرد. در این میان ویژگیهای رهبری و شخصیتی امام خمینی از قبیل ثبات قدم، صراحت بیان، بی‌پروایی و شجاعت، آشتی‌ناپذیری، توصیه‌های ایشان به وحدت مخالفان حکومت پهلوی با عنایت به اصول اسلامی مبارزه و... تاثیر بسزایی داشته است. از طرف دیگر، حکومت پهلوی که در داخل و خارج از کشور تحت فشارهای خردکننده، دچار نوعی سردرگمی و تزلزل بود، در مواجهه با شرایط پدیدآمده، توان مقابله و کنترل بحران را از دست داد و در یک سیر نزولی، عاقبت در بهمن ۱۳۵۷ به طور کامل سرنگون شد.

عوامل تاثیر گذار ناشی از مهاجرت امام

به پاریس در سقوط رژیم پهلوی:

۱- نقش ارتباطات:

ارتباطات و رسانه‌های ارتباط جمعی نقش تعیین کننده‌ای در فرآیند دگرگونی یک نظام سیاسی و فکری دارند؛ چنانکه برخی صاحب نظران جامعه‌شناسی ارتباطات - البته با سطحی از اغراق - وسایل ارتباط جمعی را دارای قدرتی می‌دانند که می‌تواند به تولد نسلی با اندیشه تازه منجر گردد و یا رسانه‌های همچون رادیو را با بمب هسته‌ای مقایسه می‌کنند و برخی سیاستمداران، رادیو و تلویزیون را برای بهزاندور آوردن دشمن، حتی از یک ارتش قوی نیز کارآمدتر می‌دانند.^۱ در نظام ارتباطات غرب، به دلیل حاکمیت فضای رقابتی و وجود خبرگزاریها و رسانه‌های دیداری و شنیداری خصوصی، امکان موفقیت فعالیت سیاسی در مقایسه با کشورهایی که تحت نظامهای

غیردموکراتیک اداره می‌شوند - از جمله نظامهای حکومتی ایران و عراق در دوره زمانی پیش از ۱۳۵۷ - به مراتب بیشتر بود. در فرهنگ رسانه‌های غرب، دریافت و پخش هر چه سریعتر اخبار مهم و تازه اهمیت زیادی برای اعتبار و بقای رسانه دارد. از این رو امام خمینی پس از ورود به پاریس، علیرغم تلاشهای اولیه دولت فرانسه برای جلوگیری از فعالیتهای سیاسی ایشان، توانست از فضای مساعد عمومی در آن کشور جهت فعالیت و تبلیغات موثر بهره ببرد.

مصاحبه‌های گوناگون با خبرنگارها و مطبوعات بین‌المللی، درج متن سخنرانیها و اخبار نهضت در مطبوعات و نیز پخش این مطالب از شبکه‌های تلویزیونی فرانسه و سایر کشورهای غربی، موقعیت استثنایی و کم‌نظیری را برای تبیین و تبلیغ اهداف و استراتژی نهضت اسلامی ایران و جهانی کردن آن و همچنین افشای ماهیت غیرمردمی حکومت پهلوی و شخصیت خودمحمور محمدرضا پهلوی پدید آورد. امام خمینی در مدت توقف چهار ماهه در پاریس، در مقایسه با اقامت چهارده ساله عراق، به موفقیت‌های بیشتری دست یافت. از این رو باری روبین معتقد است اخراج امام خمینی از عراق را باید یکی از بزرگترین اشتباهات دولت شریف‌امامی به حساب آورد: «شریف‌امامی گمان می‌کرد که اگر آیت‌الله خمینی از کشور همسایه ایران - عراق - به نقطه دورتری برود، امکان تماس او با گروه‌های مخالف در داخل کمتر خواهد شد؛ به همین دلیل با اقامت او در کویت هم موافقت نشد. آیت‌الله خمینی به پاریس رفت و برخلاف تصور شریف‌امامی با دسترسی به وسایل ارتباط جمعی جهان و امکان برقراری تماس مستقیم تلفنی با تهران، امکانات وسیع تری برای انعکاس نظرات خود در جهان و تماس با طرفداران خود در ایران به دست آورد. آیت‌الله خمینی ناگهان به یک چهره خبرساز بین‌المللی تبدیل شد و طرفداران او در ایران نه فقط به وسیله تلفن و رابطینی که مرتباً بین تهران و پاریس در حرکت بودند، بلکه به وسیله رادیوها و مطبوعات و خبرگزاریهای بین‌المللی از نظریات و دستورالعملهای روزانه او آگاه شدند.»^۲

مطابق اسناد و مدارک موجود، گستره جغرافیایی

فعالیت‌های امام‌خمينی حتی از مرز کشورهای غربي فراتر رفت و در مطبوعات کشورهای ديگر نيز انعکاس يافت. بعنوان مثال می‌توان به گزارش‌های نمايندگی ساواک در ترکیه (به بخش ۳۳۴ اداره کل سوم ساواک در تهران) اشاره کرد که می‌نویسد: «روزنامه دست‌چپی متمایل به چین آیدین لیک» که سردبير آن دوقوز پربین لیک، دبیرکل حزب سوسیالیست کارگران و روستاییان ترکیه می‌باشد، مبادرت به چاپ مصاحبه خبرنگار لوموند با خمينی پیرامون ایران نموده که طی آن خمينی اظهار داشته پانزده سال است که در مورد وضع اجتماعی ایران مبارزه می‌کنم...»^۱

تسهیل و تسريع در ارسال پيامها و متن اعلامیه‌ها و اخبار به ایران، به‌نوبه خود در بسیج مردم علیه حکومت پهلوی، تأثیر زیادی داشت. امام‌خمينی به مناسبت‌های مختلف پيامهای عمومی یا اختصاصی خطاب به برخی نیروها (از جمله پرسنل ارتش، شهرداری و ژاندارمری) و در ماه محرم خطاب به نیروهای مذهبی و مردم ارسال می‌کرد و این پيامها در کمترین زمان ممکن در سراسر کشور منتشر می‌شد. بسیاری از این پيامها و اعلامیه‌های امام از طریق ارتباط تلفنی از فرانسه به اطلاع مبارزان می‌رسید. سهولت ارتباطات موجب شد در برخی موقعیت‌های ویژه نظیر چهلم شهیدی هفدهم شهریور، موسم حج، ماههای محرم و... از طریق انعکاس پيامهای امام و تهییج مردم، نهایت استفاده برای پیشبرد اهداف مبارزه و ایجاد استیصال و تزلزل در حکومت پهلوی به عمل آید. در گزارش‌های ساواک به موارد متعددی از این تماسها اشاره شده است. در بیست‌ونهم مهر ۱۳۵۷ ساواک شیراز گزارش کرده است شخصی بنام جعفری از پاریس با مجدالدین محلاتی تماس برقرار کرد و اعلامیه امام‌خمينی در مورد حج را فرانت نمود.^۲ همچنین در گزارش ساواک مشهد (مورخ دوازدهم آذر ۱۳۵۷) آمده است: «روح‌الله خمينی اعلامیه‌ای صادر [نمود] و مفاد آن از پاریس برای عباس واعظ طبسی قرائت شد. [امام] خمينی در این اعلامیه خواستار برکناری کد ۶۶۵ شده است.»^۳ اسماعیل فردوسی پور که از یاران نزدیک امام در پاریس بود، در ضمن خاطرات خود می‌گوید: «بعضی روزها بیش از شش ساعت به‌طور مستمر و پشت سرهم با ایران تماس می‌گرفتم و مرتب پيامها و اعلامیه‌های امام‌خمينی را از پشت تلفن برای مخاطبان در تهران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، یزد و غیره و یا ديگر کشورها می‌خواندیم و آنان تکثیر و منتشر می‌کردند.» وی می‌افزاید: «تلفن‌های شبانه را نیز ضبط می‌کردیم و فردای آن شب به اطلاع امام می‌رساندیم.»^۴ از تلفن برای دعوت رهبران مبارز به پاریس برای دیدار با امام‌خمينی و موارد ديگر نیز استفاده می‌شد.^۵

علاوه بر استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تماسهای تلفنی، ارتباطات عادی افراد، ملاقاتها و مذاکره‌ها نیز بدون کنترل و مانع انجام می‌گرفت. اقامت در پاریس به مبارزان و امام‌خمينی امکان می‌داد به راحتی با هم دیدار کنند و در امور نهضت و مبارزه به‌طور مستقیم و از نزدیک به مشورت و گفت‌وگو بپردازند. مهدی بازرگان در این مورد می‌گوید: «امهاجرت امام‌خمينی به پاریس راهگشای موثری برای ملاقاتها و مذاکرات و اقدامات گردید. چه با ایرانیهای مقیم و مسافری از ایران و چه با دنیای خارج. حتی بهتر و راحت‌تر از آن که اگر به ایران می‌آمدند، توجهات و افکار از هر سوی به

سوی ایشان و به سود پدیده‌ای که بعداً نامش انقلاب اسلامی ایران گذارده شد، جلب گردید.»^۶ بدین ترتیب با مساعدت زمان و مکان و فراهم بودن ابزارهای فعالیت سیاسی، نوفل لوشاتو به مرکزی برای ارتباطات با امام‌خمينی و تصمیم‌گیری علیه رژیم پهلوی تبدیل شد.

۲- فضای مساعد برای فعالیت‌های سیاسی:

امام‌خمينی و همراهان ایشان، در پاریس با جو سیاسی بسیار متفاوتی نسبت به نجف مواجه شدند. سلها بود که احزاب و گروههای سیاسی ایرانی، از جمله اسلامگرایان، در اروپا (از جمله در فرانسه) و امریکا فعالیت می‌کردند. بخشی از این نیروها که در قالب انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور متمرکز بودند، از تجربیات خود برای بسط فعالیت‌های ضد رژیم تحت نظارت و رهبری امام‌خمينی استفاده کردند. برگزاری میتینگها، سخنرانیها، پخش عکسهای امام‌خمينی و طراحی و سردادن شعارهای ضد رژیم بخشی از فعالیت‌های این افراد بود. در یکی از گزارش‌های دفتر نمايندگی ساواک در فرانسه آمده است: «به دنبال ورود عده‌ای از ایرانیان طرفدار روح‌الله خمينی از کشورهای اروپایی به پاریس به منظور شرکت در تظاهرات روز ۵۷/۲۳ (مراتب قبلا به استحضار رسیده است)، از ساعت ۳:۰۰ روز مذکور، حدود سیصد تن از افراد موصوف، به تدریج در مقابل درب سالی در کوی رن واقع در منطقه ۱۴ پاریس، به روی زمین نشستند و در ساعت ۹:۳۰ در حالی که تعداد این افراد به حدود هشتصد نفر می‌رسیده، با فشار داخل سالن شده و بر روی زمین نشسته‌اند. عده‌ای ديگر نیز به سبب نبودن محل در داخل سالن، در بیرون اجتماع نمودند. افراد اشاره‌شده در ابتدا برای سلامتی [امام] خمينی سه بار صلوات فرستاده و به دنبال آن سرودهای مذهبی تحت عناوین «زه خون» و «مادر» را خواندند. سپس فرزند سعیدی غفاری (یکی از قشریون مذهبی که در زندان فوت نموده است) به مدت دو ساعت در زمینه خصوصیات و سجایای اخلاقی پدرش و این که سرانجام توسط دولت ایران کشته شده است، سخنرانی و در پایان نتیجه‌گیری نمود که حکومت ایران مخالف جامعه روحانیت و شیعیان ایران است. سخنران بعدی در پایان خواسته‌های خود را به‌صورت قطعنامه‌ای به شرح زیر قرائت نمود: ۱- برقراری حکومت اسلامی در ایران. ۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی به‌ویژه آیات‌الله طالقانی و لاهوتی. ۳- بازگشت کلیه تبعیدی‌های خارج از کشور به وطن. ۴- محاکمه و مجازات کسانی که علیه تعالیم اسلامی و مذهبی مبارزه کرده‌اند و همچنین خیانتکاران سالهای اخیر که موجب گردیده‌اند وضع اجتماعی و سیاسی ایران دگرگون شود. وی در پایان اضافه نموده: «ما نه کمونیست هستیم و نه سرمایه‌دار. نه چپ هستیم و نه راست، بلکه خواستار یک حکومت مستقل اسلامی خارج از فضای ظلم و ستم به هموطنان خود می‌باشیم.» در طول قرائت قطعنامه فوق شرکت‌کنندگان با اظهار جمله «صحیح است» مطالب وی را تأیید نموده و به دنبال آن نیز پنج‌بار شعارهای «درود بر خمينی، مرگ بر شاه رهبر ما خمينی است، مرگ بر حکومت استبداد و ظلم» را تکرار نموده‌اند...»^۷

از جمله فعالیت‌های ديگر انقلابيون در فرانسه، انتشار و پخش کتابها و جزوه‌هایی بود که مواضع و دیدگاه‌های امام‌خمينی را منعکس می‌کرد. در یکی از گزارش‌های نمايندگی ساواک در فرانسه به بخش ۳۳۲ اداره کل سوم ساواک (مورخ نهم آبان ۱۳۵۷)، آمده است: «کتابی تحت عنوان اسناد و تصاویری از مبارزات خلق مسلمان ایران که از انتشارات ابوذری می‌باشد، در پاریس توزیع گردیده است. در این کتاب مصاحبه‌های [امام] خمينی با روزنامه‌های لوموند، فیگارو و سایر سخنرانیهای وی و همچنین تصاویر زیادی از تظاهرات مذهبیون افراطی در عید فطر و شانزدهم شهریور در تهران و شهرستانها به چاپ رسیده است. در کتاب مذکور که دوست و چهل صفحه می‌باشد، تحلیلی از اوضاع ایران، خونخواهی شماری از خلق، اعلامیه آقایان دستغیب شیرازی، مرتضی فهمیم کرمانی، سیدمحمد دامادی، طاهری، صدوقی نوشته شده است...»^۸

۳- تجمع مخالفان حکومت پهلوی در پاریس:

در کشور فرانسه نیروهای مخالف شاه می‌توانستند با آزادی و سهولت بیشتری حول محور امام جمع شوند و از شرایط مناسب آنجا برای تجمع، تظاهرات و راهپیمایی و... استفاده کنند. شخصیت و سعه صدر امام‌خمينی، در این مرحله از مبارزه باعث شد مجموعه گروههای مبارز، به‌ویژه نیروهای اسلامگرا، اعم از روحانی و غیرروحانی، دانشگاهی و غیردانشگاهی - حول محور ایشان و با هدف براندازی حکومت پهلوی، متحد شوند. اساس این اتحاد، توافق بر سر اصول انقلاب بود. امام‌خمينی بر سه اصل به عنوان اصول بنیادین انقلاب تأکید کردند و همین اصول محور فعالیت‌های انقلابی گروهها قرار گرفت: ۱- برچیده‌شدن سلطنت سلسله پهلوی. ۲- برچیده‌شدن رژیم سلطنتی برای همیشه. ۳- فراهم کردن شرایط استقرار حکومت جمهوری اسلامی.^۹ علاوه بر طیفهای مختلف مذهبی، برخی گروههای غیرمذهبی نظیر اعضای جبهه ملی ایران و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی خارج از کشور نیز اصول مذکور را پذیرفتند و بر مبنای این اصول، فعالیت مشترک علیه حکومت پهلوی شکل گرفت.

در ادامه به مواردی از مصداقهای عینی این اتحاد اشاره می‌شود. در گزارش مورخ بیستم مهر ۱۳۵۷ دفتر نمايندگی ساواک مستقر در پاریس به بخش ۳۳۲ اداره کل سوم ساواک آمده است: «روز ۵۷/۱۹ اعلامیه‌ای به حمایت از خمينی تحت عنوان اتحاد جنبشهای مخالفین ایرانی در فرانسه به زبان فرانسه در دانشگاهها و مراکز آموزشی توزیع و جهت ژست‌کردن [و نیز] مقامات قضایی و جراید و روزنامهها فرستاده شده است. در این اعلامیه گفته شده که اتحادیه‌های زیر همبستگی خود را با خلق ایران اعلام و از مبارزات مذهبی خلق دفاع می‌نمایند: ۱- کمیته برای دفاع از حقوق بشر در ایران به رهبری نوری آل‌بلا. ۲- کمیته آزادی برای ایران به رهبری احمد بنی‌احمد. ۳- جنبش آزادیبخش ایران به رهبری کلانتری و ماسالی. ۴- جنبشهای دانشجویی با عقاید و نظرات مختلف سیاسی که در کنفدراسیون جهانی متمرکز گردیدند (برای احیای کنفدراسیون به رهبری محمود بزرگمهر). ۵- شعبه فرانسوی دموکرات کردستان ایران متحد [امام] خمينی.»



در کشور فرانسه نیروهای مخالف شاه می توانستند با آزادی و سهولت بیشتری حول محور امام جمع شوند و از شرایط مناسب آنجا برای تجمع، تظاهرات و راهپیمایی و... استفاده کنند. شخصیت و سعه صدر امام خمینی، در این مرحله از مبارزه باعث شد مجموعه گروههای مبارز، به ویژه نیروهای اسلامگرا حول محور ایشان و با هدف براندازی حکومت پهلوی، متحد شوند

مراجعه به آرای عمومی تعیین گردد. دکتر کریم سنجلی^{۱۱} واکنشا نسبت به انتشار این بیانیه و بیانیه های دیگر، در افکار عمومی چنین القا کرد که همه نیروها برای ساقط کردن حکومت پهلوی با هم متحد و هماهنگ شده اند. البته دکتر کریم سنجلی در هشتم آبان ۱۳۵۷ در مصاحبه ای با خبرنگار رادیو فرانسه (فرانس انتر)، گرچه امام خمینی را رهبر مبارزات ملت ایران معرفی کرده و از ایشان تحلیل نموده بود، اما در پاسخ به این سوال که آیا با تشکیل حکومت اسلامی موافق هستید؟ پاسخ داده بود که حکومت اسلامی مورد تایید جبهه ملی نیست و نحوه حکومت را باید خود مردم با انتخابات آزاد تعیین کنند.^{۱۲} باین همه سنجلی در مذاکرات خصوصی و نیز در مصاحبه هایش پس از دیدار با امام خمینی، همواره تاکید می کرد هر دولتی که بدون موافقت امام خمینی بر سرکار آید، محکوم به شکست خواهد بود.^{۱۳} در گزارش ساواک تهران نیز اشاره شده است که کریم سنجلی طی نامه ای از غلامحسین صدیقی درخواست کرده بود از پذیرفتن پست نخست وزیری رژیم شاه به خاطر مخالفت امام خمینی خودداری کند.^{۱۴} (البته گستره اتحاد رهبران احزاب و گروهها و نیروهای مختلف و اقدامات آنها بیشتر و فراتر از میزانی است که در اینجا مطرح گردید و طرح کامل این مساله، بمنوبه خود پژوهش و فرصت مفصل تری می طلبد.)

۴. پیوند بیشتر با جنبش دانشجویی:

رابطه امام خمینی با جنبش دانشجویی، حداقل به ده دهه قبل بازمی گردد. در جریان اعتراض امام خمینی به لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، بخشی از دانشجویان مذهبی در قم به دیدار ایشان رفتند. میزان این ارتباطها در جریان اعتراض به طرح انقلاب سفید بیشتر شد و در جریان قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ به نقطه قلیل اتکالی رسید و از آن پس نیز تا سال ۱۳۵۷ همچنان حفظ و تقویت شد؛ چنانکه از

اولین بار در اعلامیه ششم شهریور ۱۳۵۷ بود که آنها به استعفا و رفتن شاه جهت خروج از بحران حاکم بر جامعه اشاره کردند و گرنه نهضت آزادی همیشه رعایت قانون اساسی مشروطه را در اعلامیه های خود یادآور می شد. جبهه ملی ایران نیز به حلقه اتحاد انقلابیون وارد شد و اصول مورد نظر امام خمینی را برای ادامه مبارزه پذیرفت. کریم سنجلی، رهبر این جبهه، به پاریس سفر کرد و دوبار در روزهای سیزدهم و چهاردهم آبان ۱۳۵۷ با امام خمینی در نوفل لوشاتو به دیدار و مذاکره پرداخت. باین همه امام خمینی پذیرفتن او را به اعلام صریح مواضعش در مورد سلطنت و محمدرضا پهلوی مشروط نمود؛ چراکه سنجلی پیش از سفر به پاریس، طی مصاحبه ای، اعلام کرده بود از نظر او، مساله عمده و اساسی دموکراسی و آزادی است، نه رژیم سلطنتی و یا جمهوری؛ زیرا چهسا در نظامهای سلطنتی، دموکراسی حاکم باشد و یا در نظامهایی که اسما جمهوری هستند، استبداد حکومت کند.^{۱۵}

اما سرانجام سنجلی شروط مورد نظر امام را پذیرفت و پذیرش خود را کتابا به حضرت امام گزارش کرد. امام پس از رویت دست نوشته سنجلی، کلمه استقلال را به متن آن افزود. سنجلی می گوید: «من این طرح سه ماده ای را به خط خودم نوشتم و خدمتشان فرستادم. ایشان به خط خودشان واژه استقلال را به آن اضافه کردند. آن وقت امضا کردم و فردای آن روز فرستادم خدمتشان...»^{۱۶} در هر صورت متن بیانیه در چهاردهم آبان ۱۳۵۷ به شرح زیر انتشار یافت: «۱- سلطنت کنونی ایران با نقض قوانین اساسی و اعمال ظلم و ستم و ترویج فساد و تسلیم در برابر سیاستهای بیگانه فاقد پایگاه قانونی و شرعی است. ۲- جنبش ملی اسلامی ایران با وجود بقای نظام سلطنتی غیرقانونی، با هیچ ترکیب حکومتی موافقت نخواهد کرد. ۳- نظام حکومت ملی ایران براساس موازین اسلام و دموکراسی و استقلال به وسوسه

نظریه جز طرفداران کمیته مرکزی حزب منحل توده سایر گروههای سیاسی با اقامت [امام] خمینی در پاریس موافق و مشغول فعالیت هستند که توسط سوسیالیستها و سایر شخصیتها اقامت دائمی مشارالیه را در پاریس فراهم آورده اند و همهنگی کنفدراسیون- جبهه های ها و مذهبی ها در این مساله حائز اهمیت است»^{۱۷} نهضت آزادی ایران در داخل و خارج از کشور نیز ضمن پذیرش اصول اعلام شده از سوی امام خمینی، با صدور اعلامیه ها و بیانیه های مختلف بر آن تاکید کرد. مهدی بازرگان برای ملاقات و گفت و گو با امام خمینی به پاریس رفت. در مدت اقامت ده روزه ایشان در پاریس، نحوه ادامه مبارزه مشخص گردید.^{۱۸} بازرگان پس از مراجعت به ایران، اعلامیه ای با عنوان «آیا وقت آن نرسیده است که نظام حاکم واقع بین باشد؟» صادر کرد. در بخشی از این اعلامیه آمده است: «اعلامیه ها، سخنرانیها، تظاهرات، تجمعها، فریادها و بالاخره قربانیهای فراوانی که از یک سال ونیم پیش به این طرف در ایران رخ داده است و از چهار گوشه دنیا ناظر و ناقل آن شده اند، لاقول دو حقیقت یا دو واقعیت را نشان می دهد: ۱- اکثریت قاطع ملت ایران شاه و رژیم او را نمی خواهد و خواستار حکومت اسلامی است. ۲- اکثریت قاطع ملت ایران آیت الله العظمی خمینی را به رهبری خود برگزیده است. دو واقعیت فوق نه تنها با زبان و قلم بیان شده بلکه با خونهای بی دریغ فراوان، در پایتخت و سراسر کشور امضا شده است. از طرف دیگر، آیت الله العظمی خمینی مکرر تصریح کرده اند که شاه باید برود، دودمان پهلوی برود، نظام سلطنتی نیز برود...»^{۱۹} نهضت آزادی ایران از این پس نیز طی اعلامیه ها و بیانیه هایی، به مناسبتهای مختلف ضمن دفاع از مواضع امام خمینی بر ادامه مبارزه تا سقوط کامل حکومت پهلوی تاکید کرد.^{۲۰} جالب آنکه بازرگان و نهضت آزادی ایران تا سال ۱۳۵۷، هیچگاه از سقوط حکومت صحبت نکرده بودند.

مجموع پیام‌های امام خمینی، صدوبیست‌وهشت مورد خطاب به دانشجویان داخل و خارج کشور صادر گردیدند و از این میان بیش از هشتاد درصد پیامها مربوط به سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ هستند.^{۳۳} علیرضا کریمیان در تبیین پیوند میان دانشجویان و حضرت امام می‌گوید: «جنبش دانشجویی که به یک معنا نمایندگی بحران هویت جامعه را برعهده داشت، از یک‌سوز دستاوردهای تمدن غرب بی‌بازار شده بود، چون رژیم شاه را مورد حمایت همان نظام‌های سیاسی غرب می‌دانست و از طرف دیگر دل‌خوشی به نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی نداشت، بالاخص که مارکسیست‌های ایران سابقه‌ای خوب در کشور نداشتند. به‌همین دلیل در یک فضای دو قطبی سیاسی-ایدئولوژیک گیر کرده بود و به دنبال آلترناتیوی برای آن‌دومی گشت و آن‌تاز گشت به هویت اسلامی خویش بود که امام خمینی آن را ملاک عمل مبارزاتی خویش قرار داده بود.»^{۳۴}

پس از هجرت امام خمینی به پاریس نیز اولین گروه که به استقبال و دیدار امام رفتند، دانشجویان بودند. در این زمان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور» و «اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه» (وابسته به کنفدراسیون دانشجویان ایران در شهر فرانکفورت آلمان)^{۳۵} فعالیت ملموس‌تری داشتند. به گفته صادق طباطبایی که در آن زمان در قالب انجمن اسلامی دانشجویان در آلمان فعالیت می‌کرد، ورود امام خمینی به پاریس با برگزاری کنگره سالانه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در شهر «هاگن» آلمان غربی هم‌زمان بود. به محض اطلاع از ورود امام به فرانسه کنگره موقتا تعطیل و گرداندگان آن از جمله خود صادق طباطبایی به حضور امام در پاریس رسیدند تا در راستای تسهیل امور مربوط به اقامت امام خمینی و ارتباط ایشان با دولت فرانسه مطبوعات، رسانه‌ها، افراد مختلف و... کمک کنند.^{۳۶} آشنایی دانشجویان به زبانه‌های خارجی، برخورداری از اطلاعات روزآمد و نیز آشنایی آنها به اوضاع و شرایط فعالیت در کشورهای غربی، در عین آشنایی به اوضاع ایران، نقش زیادی در سامان‌دهی مبارزات امام خمینی و فعالیت‌های سیاسی ایشان در فرانسه داشت. دانشجویان طرفدار امام به فعالیت‌های دیگری از قبیل سخنرانی و برگزاری میتینگ‌های مختلف در حمایت از مواضع امام خمینی نیز می‌پرداختند.

ساواک طی گزارشی به وزارت امور خارجه، به موردی از این فعالیت‌ها اشاره کرده است: «به دنبال اطلاعات واصله مبنی بر قصد انجام تظاهرات در پاریس توسط تعدادی از طرفداران روح‌الله خمینی، روز ۵۷/۷/۲۲ (۲۵۳۷ شاهنشاهی) حدود صدوینجاه تن از دانشجویان منحرف ایرانی مقیم آلمان غربی وابسته به اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا، با دو دستگاه اتوبوس و دو دستگاه مینی‌بوس و حدود دویست اتومبیل شخصی که هر یک دارای چهار سرنشین بوده‌اند، از کشورهای آتریش، انگلستان و بلژیک وارد پاریس گردیده و به منظور انجام ملاقات با خمینی به طرف محل اقامت عزیمت نمودند. این افراد به محض ورود به محل اقامت خمینی، ابتدا جهت سلامتی خمینی صلوات فرستاده و ضمن ملاقات و دستبوسی، بعضی از آنان مبلغی پول را نیز که هر گروه از کشورهای مربوط قبلا جمع‌آوری نموده بودند، به قطب‌زاده تسلیم داشتند. افراد موصوف در نظر دارند در تظاهراتی که قرار بوده از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۲:۰۰ (به وقت

محلی) روز ۵۷/۷/۲۲ توسط تعدادی از طرفداران خمینی در کوی رن واقع در منطقه ۱۴ پاریس برگزار گردد. شرکت نمایند...»^{۳۷} در گزارش دیگری به تاریخ بیست‌وینجم مهر ۱۳۵۷ آمده است: «در میتینگ روز ۵۷/۷/۲۴ طرفداران خمینی که در سن‌ژرمن تشکیل [شد] و تا ساعت ۱۴:۳۰ طول کشید، بین دو تا دوهزار و پانصد نفر شرکت داشتند که حدود هفتصد نفر آنها مذهبی و بقیه شرکت‌کنندگان اعضای کنفدراسیون و توده‌های هابی بودند که از آلمان، آتریش، ایتالیا و سایر کشورها آورده شده بودند...»^{۳۸}

مطلق گزارش ساواک، در شانزدهم آبان ۱۳۵۷ نیز دانشجویان ایرانی مقیم آلمان و انگلستان به دیدار امام خمینی رفتند و با ایشان ملاقات کردند: «روز ۱۳۵۷/۸/۱۶ دو اتوبوس از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان و انگلستان و همچنین یک اتوبوس از کارآموزان رادیو تلویزیون ملی ایران که در آلمان مشغول تحصیل هستند، به پاریس وارد [شده] و به‌طور دسته‌جمعی از آقای خمینی دیدن نمودند. افراد فوق روزهای ۱۶ و ۱۷/۸/۵۷ با خمینی نماز خوانده و در ساعت یک بعدازظهر به سخنان نامبرده گوش داده‌اند. نامبرده [امام خمینی] در مورد جریبه‌های اخیر اظهار نموده: «شما باید مبارزه خود را در داخل و خارج کشور ادامه دهید. این مبارزه با روی کار آمدن دولتهای مختلف خاموش نخواهد شد. ما تصمیماتی گرفته‌ایم که مبارزه مردم از روز یکشنبه آینده در داخل و خارج از کشور ادامه یابد و نظرات خود را نیز اعلام نموده‌ایم...»^{۳۹}

پس از آنکه نیروهای مذهبی مخالف رژیم به جریان مخالف و مبارز مسلط و برخوردار از یک وضعیت هم‌منیگ در داخل کشور تبدیل شدند، گرایش‌های اسلامی در میان دانشجویان غیرمذهبی نیز افزایش یافت. این گرایش در میان دانشجویان ایرانی مقیم خارج بیشتر بود. بدین ترتیب در نیمه دوم سال ۱۳۵۷، اکثر اعضای کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور به ایران بازگشتند و این بار در کنار دانشجویان مذهبی و در همگامی با آنها به مبارزات خود ادامه دادند. تعداد دانشجویانی که از خارج به داخل کشور بازگشتند، بین پنج تا شش هزار نفر تخمین زده شده‌اند.^{۴۰}

۵- دیدار با شخصیت‌های داخلی و خارجی:

پس از استقرار امام در پاریس، برخی شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ایرانی و نیز نمایندگان سیاسی و شخصیت‌های خارجی با ایشان دیدار و گفت‌وگو کردند. محور مذاکراتی که با شخصیت‌های مبارز صورت می‌گرفت، بر مبنای مشورت برای پیشبرد اهداف انقلاب بود اما شخصیت‌های خارجی اغلب برای اطلاع دقیق از مواضع و دیدگاه‌های امام، به دیدار ایشان می‌رفتند و این مساله به‌نوع‌خود باعث می‌شد دیدگاه‌ها و مواضع امام در خصوص مبارزه علیه حکومت پهلوی، هرچه بیشتر منتشر گردد؛ چنانکه مبارزات انقلابی مردم ایران انعکاسی جهانی پیدا کرد.

چنانکه پیش از این نیز گفته شد، مهدی بازرگان (رهبر نهضت آزادی ایران) و کریم سجلی (رهبر جبهه ملی ایران) پس از دیدار با امام خمینی، ضمن پذیرش محوریت رهبری ایشان، اصول مورد نظر امام برای مبارزه را پذیرفتند و با صدور بی‌لبه‌هایی بر آن تاکید ورزیدند. این دیدارها نزد افکار عمومی داخل و خارج ایران، نمایی از یک مبارزه متحد برای براندازی

رژیم پهلوی و نیز پایان روش مبارزه مسالمت‌آمیز و گفت‌وگو با شاه را به نمایش می‌گذاشت. در عین حال برخی شخصیت‌های مبارز و انقلابی به منظور مشورت به پاریس فراخوانده می‌شدند و یا شخصاً به پاریس عزیمت می‌نمودند. این امکان که به‌راحتی در فرانسه صورت می‌گرفت، در عراق میسر نبود. بیشتر افراد عزیمت‌کننده به پاریس، نیروهای انقلابی و از جمله آیت بهشتی، صدوقی، مطهری و... بودند.^{۴۱} این دیدارها، سرآغاز مرحله نوینی از انقلاب بودند که در آنها اغلب در خصوص نحوه تشکیل حکومت اسلامی صحبت می‌شد.

جالب‌ترین و مؤثرترین موضوع در مورد افرادی که خواستار دیدار با امام می‌شدند، تعیین شروط از سوی امام خمینی برای ملاقات مقامات رژیم پهلوی با ایشان بود. تعیین شرط، فی‌نفسه به معنی قرارداد داشتن امام در موضع قدرت بود و این امر باعث بی‌اعتباری و تحقیر حکومت متزلزل پهلوی می‌شد. شرط امام آن بود که اشخاص ملاقات‌کننده باید بدون قید و شرط از مقام و پست مورد تصدی در رژیم پهلوی استعفا کنند. در این میان تلاش دو نفر برای عزیمت به پاریس و دیدار با امام خمینی مهم است. شاپور بختیار (آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی) و سیدجلال‌الدین تهرانی (عضو و رئیس شورای سلطنت).

اعضای شورای سلطنت و نیز نخست‌وزیر وقت در جستجوی راهی برای برون‌رفت از بحران، سعی کردند نماینده‌های نزد امام خمینی اعزام کنند تا به‌منظور دستیابی به مصالحه با وی گفت‌وگو و مذاکره کند. بدین منظور سیدجلال‌الدین تهرانی، که در آن زمان رئیس شورای سلطنت بود، انتخاب گردید. تهرانی پس از ورود به پاریس، در روز سی‌ام دی ماه طی نامه‌ای به امام خمینی، از ایشان درخواست ملاقات کرد. اما امام پذیرفتن درخواست او را به استعفای وی از شورای سلطنت موکول نمود. ابراهیم یزدی می‌گوید: «امام اجابت درخواست تهرانی را موکول به استعفای وی از عضویت شورای سلطنت نموده و تاکید کردند که استعفا باید کتبی باشد و طی آن تصریح کند که چون شورای سلطنت را غیرقانونی می‌داند، استعفا می‌دهد.»^{۴۲} تهرانی متن استعفانامه را نوشت و به نوفل‌لوشاتو فرستاد اما از آنجا که به غیرقانونی بودن شورای سلطنت اشاره نکرده بود، مورد قبول امام خمینی واقع نشد. در نهایت جلال‌الدین تهرانی مجبور گردید متن استعفانامه را اصلاح کند و پس از آن بود که امام درخواست وی برای ملاقات را پذیرفت.^{۴۳} «وقتی سیدجلال تهرانی برای دیدار امام به نوفل لوشاتو آمد، بیش از صد خبرنگار در اطراف منزل امام ازدحام کرده بودند. خبر استعفا سیدجلال و دیدارش با امام به‌عنوان بزرگترین پیروزی امام، بعد از خروج شاه از ایران تلقی گردید... ترجمه استعفا وی در اختیار خبرنگاران گذاشته شد و بلافاصله به سرتاسر جهان مخابره و منعکس شد.»^{۴۴}

استعفا سیدجلال تهرانی، به منزله انحلال شورای سلطنت و نیز خلاصی بر سلطنت پهلوی تلقی گردید. این خبر مهم در مطبوعات ایران نیز با چاپ دو متن اولی و اصلاحی آن منعکس گردید. این امر، در عین حال بیانگر شکست آخرین تلاش‌های مایوسانه رژیم شاه برای حفظ نظام سلطنتی در ایران بود.

امام خمینی پذیرش تقاضای دیدار شاپور بختیار را نیز به استعفا رسمی او از مقام نخست‌وزیری منوط کرد. اما

به هر صورت، از آنجاکه بختیار حاضر به استعفا نشد، درخواست ملاقات وی از سوی امام مورد پذیرش واقع نگردید و دیدار صورت نگرفت.

از شخصیت‌های بارز خارجی که با امام خمینی دیدار کردند، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: نمایندگان دولت فرانسه و نیز رمزی کلارک (دادستان کل اسبق آمریکا)، ریچارد فالک (استاد دانشگاه پرینستون)، دان لویی (نماینده سازمان‌های مذهبی آمریکا)، ریچارد کاتم (از شخصیت‌های صاحب‌نظر در خصوص مسائل ایران و استاد علوم سیاسی دانشگاه پترزبورگ)، محمد حسنین هیکل (نویسنده متفکر عرب)، یکی از وزیران کلینیه ضیاءالحق (نخست‌وزیر پاکستان) به منظور میانجیگری میان امام خمینی و شاه راسل کر (نماینده مجلس عوام انگلستان)،^{۴۵} نماینده یاسر عرفات،^{۴۶} داوید روستون (عضو کمیته خارجی مجلس سنای آمریکا)،^{۴۷} مهدی قادر (نماینده اعزامی از سوی احمد حسن البکر رئیس جمهور عراق)،^{۴۸} محسن سلیم لرئیس کمیته اجرایی اتحادیه نیروهای لبنان)،^{۴۹} فاروق قدومی (رئیس اداره سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین)^{۵۰} و دهها شخصیت دیگر ایرانی و خارجی که به صورت فردی، خبرنگار و... به دیدار امام رفتند. این دیدارها باعث شد دیدگاهها و مواضع انقلابی امام خمینی هر چه بیشتر انتشار جهانی پیدا کند.

عزمینة مساعد برای اعلام مواضع و دیدگاهها:

مواضع دقیق، قاطع، صریح و آینده‌نگران‌های که امام خمینی در مدت اقامت در پاریس ابراز داشت، در تسریع روند سقوط حکومت پهلوی بیش از پیش موثر واقع گردید. استفاده همزمان ایشان از روشهای متنوع و تاکتیکی گوناگون برای ابراز مخالفت با رژیم پهلوی - که بسیاری از آنها صرفاً با بهره‌گیری از موقعیت حضور در فرانسه میسر می‌گردید - و نیز بهره‌گیری از روشها و ابزارهایی که قابلیت کاربرد همگانی و مردمی داشت، باعث شد یک حرکت اعتراضی گسترده و دربردارنده اقشار مختلف، در تمامی جبهه‌ها و طی یک فرآیند سنجیده و تدریجی، در یک گستره جغرافیایی وسیع، شکل گیرد و با پافشاری بر اصول سه‌گانه و بنیادین انقلاب (سرنگونی سلطنت سلسله پهلوی، برچیدن رژیم سلطنتی و برپایی حکومت جمهوری اسلامی) سرانجام نقشها و توطئه‌های حکومت پهلوی جهت به بن‌بست کشاندن مبارزه را خنثی کرد و حکومت پهلوی به تدریج در یک موقعیت کاملاً انفعالی و درمانده قرار گرفت.^{۵۱} از جمله موثرترین شیوه‌ها، مواضع و دیدگاه‌هایی که امام خمینی با بهره‌گیری از موقعیت حضور خود در فرانسه به طرح آنها پرداخت و از آنها بهره برد، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف- اعلام‌نکردن برنامه مشخص برای مدت اقامت:

این مسأله باعث شد مقامات حکومت پهلوی هر لحظه در حال اضطراب به سر ببرند و با تن دادن به راه‌حلهای موقت، نتوانند یک برنامه جامع و بلندمدت برای مقابله با امام و انقلاب تدوین و اجرا کنند. مطابق اسناد موجود، تمامی نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی در مرزهای آبی و خاکی در حالت آمادهباش بودند تا در صورت ورود امام خمینی به ایران، ایشان را دستگیر و به تهران منتقل کنند. این در حالی بود که اصلاً بحث بازگشت ایشان به ایران مطرح نبود و حضرت امام در واقع قصد رفتن به سوریه را در سر

می‌پروراندند و حتی هدف از رفتن به فرانسه نیز بازگشت به سوریه بود و امام صرفاً به خاطر مشاهده فضای مساعد در فرانسه، در آن کشور اقامت کرد. باین همه در میان اسناد موجود، بخشنامه‌های مختلفی مشاهده می‌شوند که از سوی ساواک و با دستور آمادهباش صادر گردیدند: «به کلیه سازمانهای اطلاعات و امنیت (غیر از اردوگاه شمال) از مرکز؛ اطلاع دارند که روح‌الله خمینی روز ۵۷/۷/۱۴ به فرانسه عزیمت و فعلاً در پاریس اقامت دارد. از قصد دائمی او در پاریس هنوز اطلاعی در دست نیست و موضوع ورود او به کشور نیز کاملاً متفی نشده است. به فرموده دستور فرمایید ظرف هفته جاری یک‌سوم پرسنل عملیاتی آن سازمان در ساعات غیراداری در اداره حضور داشته تا آمادگی لازم برای مقابله با هرگونه فعل و انفعالات و اتفاقات وجود داشته باشد»^{۴۲} بنا به گزارش بخش ۸۴۳ اداره کل هشتم ساواک (مورخ ۱۳۵۷/۷/۲۷)، کنترل پروازهای خارجی در فرودگاهها و نیز اعمال کنترل شدید در داخل هواپیماها، اعتراضات و حساسیتهای زیادی را برانگیخته بود؛ چنانکه ساواک سرانجام مجبور به لغو کنترل داخل هواپیماها گردید.^{۴۳} شایعات مربوط به سفر احتمالی امام خمینی به یکی از کشورهای اسلامی مثل الجزایر، یمن، لیبی و غیره اضطرابها و سردرگمی‌های رژیم را تشدید می‌کرد. به‌عنوان مثال گزارشی به شرح زیر در ششم آبان ۱۳۵۷ تهیه شده است:

«در آینده نزدیک خمینی به کشور جمهوری دموکراتیک خلق یمن خواهد رفت. شایعه مسافرتش به کویت و عزیمتش به کشور فرانسه یک بازی سیاسی بود؛ زیرا از نقطه‌نظر دین اسلام و مردم مسلمان ایران، او نمی‌توانست مستقیماً از عراق به جمهوری دموکراتیک خلق یمن برود و برای موجه‌نشان دادن مسافرتش به این کشور، ابتدا مبادرت به مسافرت به کویت و فرانسه نمود؛ زیرا می‌دانست که این دو کشور به‌او اجازه نخواهند داد که علیه ایران فعالیت نماید. نظریه منبع: خبر صحت دارد.

نظریه رئیس بخش برون‌مرزی: ۱- منابع آشکار اعلام نموده‌اند خمینی ممکن است به کشمیر یا الجزایر و یا با توجه به سماجت و تعصب وی در فعالیت علیه ایران، به یک کشور مسلمان و حتی‌الامکان نزدیک به ایران مسافرت و اقامت خواهد نمود. ۲- با توجه به نزدیکی ایام مناسک حج، عزیمت خمینی به عربستان سعودی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن مقرون به صحت است...»^{۴۴}

این بخشنامه‌ها و گزارشها که از تحلیل نادرست منابع ساواک و سردرگمی آنها حکایت دارند، تا آذرماه سال ۱۳۵۷ ادامه داشتند. این وضعیت کاملاً به نفع انقلاب بود. البته درخواستهای زیادی از سوی کشورهای مختلف برای سفر امام خمینی به آن کشورها وجود داشت، اما حضرت امام متوجه شده بودند که امکان فعالیت ایشان و انقلابیون، در فرانسه از هر جای دیگر بهتر و مساعدتر است.

ب- «شاه باید برود»:

از ابتکارات منحصر‌به‌فرد سیاسی امام خمینی به هنگام اقامت در فرانسه، اصرار و پافشاری مؤکد ایشان بر رفتن محمدرضا پهلوی بود. این ابتکار، با گذشت زمان بیشترین تأثیر را در تضعیف روحیه شاه و تزلزل وی برجای گذاشت. این استراتژی، مهمترین بخش از جنگ روانی حضرت امام علیه رژیم پهلوی را در دوران اقامت

ایشان در فرانسه تشکیل می‌دهد.^{۴۵}

امام خمینی در اولین سخنرانی خود پس از ورود به پاریس، بر رفتن شاه تأکید نمود: «... در داخله هم هرکس بگوید که این [محمدرضا پهلوی] بماند یا خوب است بماند، این خائن است که می‌گوید خوب است بماند؛ برای اینکه در داخله همه دیدند که این شخص چه می‌کند و با مردم چه کرده است...»^{۴۶} امام تا لحظه خروج محمدرضا پهلوی از کشور در بیست‌وششم دی ۱۳۵۷، همواره آن را تکرار کرد. ایشان در مصاحبه با خبرنگاران و مطبوعات خارجی نیز همین موضوع را تکرار کردند. امام در مصاحبه با تلویزیون سی‌بی‌اس آمریکا، کانال ۲ رادیو-تلویزیون آلمان، خبرگزاری آسوشیند پرس، خبرنگاران انگلیسی، فرانسوی و آلمانی، تلویزیون اتریش، تلویزیون لوکزامبورگ، تلویزیون هلند و بسیاری رسانه‌های دیگر جهان، رژیم شاه را رژیم ظالم، سرکوبگر، وابسته، غیرمتمدن و فریبکار خواند و تنها راه‌حل را رفتن شاه عنوان کرد.^{۴۷} این تأکیدها علاوه بر تشدید جنگ روانی علیه شاه و ایجاد واکنش در وی، خاندان سلطنتی و مقامات رژیم، مردم را در شدت بخشیدن به مبارزه و استمرار مخالفت‌ها هر چه بیشتر مصمم و تحریک می‌کرد.

ج- سازش‌ناپذیری:

استراتژی دیگری که امام خمینی در دوران اقامت در فرانسه بیش از پیش بر آن تأکید می‌کردند، سازش‌ناپذیری و قاطعیت در تصمیم‌گیریهای سرنوشت‌ساز بود. در شرایطی که تحلیلگران سیاسی و حتی مقامات کشورهای مختلف هیچ آینده روشنی را برای انقلاب پیش‌بینی نمی‌کردند، امام از فرانسه تصمیم به استمرار مبارزه در ابعاد مختلف گرفت و در آن شرایط جز رفتن شاه و پایان بخشیدن به نظام سلطنتی، جایگزین و بدیل دیگری را نپذیرفت. تلاشهای زیادی از داخل و خارج برای میانجیگری میان امام و شاه صورت گرفت، اما امام با رد تمامی این درخواستها، سازش با رژیم را خیانت به ملت ایران توصیف کرد. ایشان در سخنرانیها و مصاحبه‌های مختلف، تشبیهات محمدرضا پهلوی به آشتی‌جویی را فریبکاری برای حفظ سلطه دانست و با نادیده گرفتن تمامی تلاشها و حتی تهدیدات رژیم، همچنان بر مواضع اصولی خود پافشاری کرد. در این میان تلاش نیروهای میانه‌رو برای اتخاذ سیاست معتدل و گام‌به‌گام نیز راه به جایی نبرد.^{۴۸} این قاطعیت، در واقع از تیزی، شم سیاسی و آینده‌نگری حضرت امام در شرایط مناسب پیش‌آمده حکایت می‌کند.

چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، حضرت امام با استفاده از موقعیت مناسب خود در فرانسه، به هنگام درخواست مقامات رژیم برای ملاقات با ایشان، قاطعانه برای آنان به تعیین شرط اقدام نمود؛ از جمله آنکه این افراد می‌بایست از مقام خود استعفا می‌دادند و سازمان متبوع خود را غیرقانونی اعلام می‌کردند. این تصمیم قاطع امام، در تحقیر حکومت پهلوی و ایجاد دلهره و تزلزل در میان سران حکومت بسیار موثر بود؛ چنانکه اغلب آنان با مشاهده این وضعیت و تزلزل جایگاه خود، از کشور فرار کردند و این مسأله باعث تسریع هر چه بیشتر سقوط حکومت پهلوی گردید.

آخرین راه‌حل و ترفند حکومت پهلوی، با صلاح‌دید امریکا، روی کار آمدن یک دولت ائتلافی و ملی‌گرا بود تا شاید از این طریق مخالفت‌ها فروکش کند و آنها را بحران فرآینده فایق



تمایل حکومت پهلوی برای اقامت امام خمینی در پاریس، حلقه مکمل اشتباهات گذشته این رژیم بود. موافقت محمدرضا پهلوی با مهاجرت امام خمینی به پاریس، بر این پیش فرض استوار بود که فرانسه یک کشور غربی است و ضمناً در مسافتی بسیار دور تر از ایران قرار دارد، از این رو امکان ارتباط امام (ره) با ایران و همین طور ارتباط ایرانیها با ایشان بسیار سخت و دشوار خواهد شد

به صورت مخفی در محلهای مختلف تشکیل می شد و ضمن تماس با امام خمینی در پاریس، امور مربوط به روند انقلاب و هماهنگی برای حل و فصل مسائل را مورد بحث و بررسی قرار می داد. تصمیمات شورا، پس از کسب تکلیف از حضرت امام اجرا می شدند. از اقدامات اساسی شورا می توان به مذاکره با مقامات دولتی و نظامی، تملک، دیدار و مذاکره با دیپلماتها و مذاکره با شاپور بختیار - آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی - اشاره کرد.^{۵۶} مهدی بازرگان می گوید: «پایه شورای انقلاب که در آذرماه ۱۳۵۷ تشکیل رسمی مخفی یافت، در آن ملاقات پاریس ریخته شد و آیت الله خمینی، توصیه ای را که در پیام مراد و شهرویر فرستاده بودم به این ترتیب پذیرفته منتها با دو مأموریت، یکی مشورت در حکومت و دیگر نمایندگی برای رهبری انقلاب، ابتدا نیز طی برنامه ای که آقای یزدی با

نظر ایشان در پاریس تهیه کرده، قرار بود دو هیات جداگانه تشکیل شود: یکی هیات مشاورین امام، برای انتخاب و معرفی اشخاص و دیگری شورای انقلاب؛ ولی در عمل و مقارن با مأموریتی که قبل از آمدن به ایران برای راه اندازی نفت داده بودند، آن دو هیات ادغام گردید، اعضایش که به دستور ایشان از طرف آقای مطهری مصاحبه و دعوت شدند، غیر از دکتر باهنر هیچ کس خارج از آنچه در پاریس صورت داده بودم، نبودند. فقط آقایان مهندس عزت الله سحابی و دکتر عباس شیبانی در زمان مسافرت پاریس من هنوز در زندان بوده، امیدی به آزادی ایشان نمی رفت.»^{۵۷}

بنا به گفته آقای هاشمی رفسنجانی شورای انقلاب پس از سفر آیت الله مطهری به پاریس رسمیت پیدا کرد؛ باین توضیح که پیش از آن نیز کارها انجام می شد، اما حکم خاصی نداشت.^{۵۸} آیت الله بهشتی در مورد ترکیب اعضای شورا می گوید: «افراد را امام تعیین می کردند، به این معنی که اول امام به یک گروه پنج نفری از روحانیت، مسئولیت دادند که برای شناسایی افراد لازم

نیروی هوایی، طی پیامی به مردم ایران اعلام کرد: «اخطار می کنم که اگر دست از این برادر کشتی برندارند و لشکر گارد به محل خودش برنگردد و از طرف مقامات ارتشی از این تعدیات جلوگیری نشود، تصمیم آخر خود را به امید خدا می گیرم و مسئولیت آن با متجاسرین و متجاوزین است... اعلامیه امروز حکومت نظامی خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند»^{۵۹} با تدابیر امام خمینی و اطاعت مردم، سرانجام بی آنکه دستور مبارزه مسلحانه و یا فتوای جهاد از سوی ایشان صادر شود، حضور میلیونی مردم در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ بقایای حکومت پهلوی و دولت بختیار را درهم نوردید و نهضت پیروز شد.^{۶۰}

۷- تشکیل شورای انقلاب:

یکی دیگر از ثمرات اقامت امام خمینی در پاریس، فراهم شدن زمینه و امکان مناسب برای طرح ریزی تشکیلات حکومتی آینده بود که شورای انقلاب مقدمه آن محسوب می شد.

شورای انقلاب به دستور امام خمینی، هنگام اقامت ایشان در پاریس شکل گرفت. شهید مطهری به دستور امام با افراد مورد نظر جهت تشکیل شورا، در منزل خود در تهران مصاحبه کرد و از آنها برای عضویت و فعالیت در این شورا دعوت به عمل آورد. زمان تشکیل و اعضای شورا، هیچگاه به طور رسمی از سوی موسسان آن اعلام نشد. باین همه قریب به یقین می توان گفت شورا در اواخر آبان و یا اوایل آذر ۱۳۵۷ شکل گرفت و در نیمه دوم آذر رسمیت یافت.^{۶۱} هدف از تشکیل شورا، رهبری انقلاب و تدبیر امور آن در داخل و خارج کشور بود که البته شاخه خارج از کشور، با پیروزی انقلاب فرصت شکل گیری نیافت. جلسات شورا

آیند، این راجح، در واقع نوعی ترفند سیاسی برای اغفال و گمراه کردن مردم بود. بختیار با ارائه برنامه های به ظاهر مردم پسند، در صدد برآمد طرح مذکور را عملی سازد.^{۶۲} اما امام خمینی قاطعانه علاوه بر رد درخواست ملاقات وی، دولت بختیار را غیر قانونی اعلام کرد: «دولت بختیار غیر قانونی است؛ برای اینکه شاه و مجلسین هر دو غیر قانونی هستند»^{۶۳} این موضع امام سرانجام باعث مخالفت مردم، کارمندان، احزاب و گروهها با دولت بختیار شد و در نهایت دولت وی همراه با حکومت پهلوی، سقوط کرد.

د- تهدید به مبارزه مسلحانه:

امام خمینی تا پیش از استقرار در فرانسه استفاده از روش مسلحانه را در مبارزه با رژیم پهلوی تجویز نکرده بود و بیشتر از شیوه های تبلیغی بهره می گرفت. اما در این برهه حساس تاریخی و به منظور تشدید جنگ روانی علیه رژیم پهلوی و به عنوان یک حرکت بازدارنده در مقابل تهدیدات امریکا و کارتر مبنی بر انجام کودتای نظامی و مداخله ارتش،^{۶۴} اعلام کرد چنانچه رژیم دست از خشونت برندارد، ممکن است در شیوه مبارزه تجدیدنظر شود. امام در یازدهم آبان ۱۳۵۷ در پاسخ به سوال خبرنگار تلویزیون سی بی اس امریکا که پرسید: «چگونه می خواهید شاه را برکنار کنید؟ با قیام مسلحانه یا با قرار دادن ارتش در کنار مردم؟» پاسخ دادند: «ما امیدواریم احتیاجی به قیام مسلحانه نیفتد و با همین اعتصابت و تظاهرات و اظهار انزجار ملت، مسائل حل شود و امید این را داریم ارتش هم که خود از ملت است و ملت برادر اوست، پشت به این ملت نکند و در کنار ملت قرار گیرد، لکن اگر این شکل مبارزات ملت مفید واقع نشد و لازم آمد یک طور دیگر عمل شود، ممکن است ما تجدیدنظر بکنیم»^{۶۵} در بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷، امام با محکوم نمودن ادامه حکومت نظامی و حمله نیروهای گارد به همفران

برای اداره آینده مملکت تلاش کنند. این عده عبارت بودند از: آیت‌الله مطهری، هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، دکتر باهنر و خود بنده بعد ما با آقای مهدوی کنی نیز صحبت کردیم و به امام اطلاع دادیم و ایشان هم شرکت نمودند. یعنی بدین ترتیب، هسته شورای انقلاب یک گروه شش نفره شد. بعداً از روحانیون آیت‌الله طالقانی و خلمنه‌ای نیز اضافه شد. به تدریج آقای مهندس بازرگان، دکتر سجایی و عدمای دیگر از شخصیتها را که امام نیز قبلاً می‌شناختند و با آنها در پاریس دیدار داشتند، قرار بود ما روی آنها مطالعه کنیم و نظر نهایی‌مان را بدهیم آنها را با نظر نهایی‌مان به امام در پاریس معرفی کردیم و امام نیز تأیید کردند»^{۵۹}

پس از راهپیماییهای نوزدهم و بیستم آذر ۱۳۵۷ (راهپیماییهای تاسوعا و عاشورا)، در قطعنامه پایانی راهپیمایی سلطنت پهلوی ملغی اعلام گردید و از امام خمینی خواسته شد دستور دهند تا هر چه سریع‌تر شورای انقلاب تشکیل شود.^{۶۰} پس از آن بود که امام خمینی در بیست و دوم دی ۱۳۵۷ طی پیامی به ملت ایران، تشکیل شورای انقلاب را رسماً اعلام کرد: «به موجب حق شرعی و براساس رای اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام "شورای انقلاب اسلامی" مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شد و شروع به کار خواهند کرد. این شورا موظف به انجام امور معین و مشخصی شده است؛ از آن جمله مأموریت دارد تا شرایط تاسیس دولت انتقالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد...»^{۶۱}

تشکیل شورای انقلاب به منزله تأیید نکردن و یا رد دولتهای وقت بود؛ به‌ویژه اینکه مقامات نظامی و انتظامی و دیپلماتهای خارجی با آن شورا به مشورت می‌پرداختند و این امر، به‌خودی‌خود به شورا رسمیت می‌بخشید؛ کما آنکه شاپور بختیار وقتی می‌خواست برای دیدار امام به پاریس برود، ابتدا مساله را با شورای انقلاب در میان گذاشت.^{۶۲} شورا علناً با اقدام به تشکیل کمیته‌های مختلف، امور انقلاب را هدایت می‌کرد. و به ویژه با هدایت اعتصابات کارکنان صنعت نفت در قالب کمیته‌های سوخت و اعتصابات، نقش بسیار موثری در پیشبرد اهداف و خواسته‌های امام خمینی ایفا نمود.^{۶۳}

نتیجه

تمایل حکومت پهلوی برای اقامت امام خمینی در پاریس، حلقه مکمل اشتباهات گذشته این رژیم بود. موافقت محمدرضا پهلوی و سایر مقامات رژیم با مهاجرت امام خمینی به پاریس، بر این پیش‌فرض استوار بود که فرانسه یک کشور مسیحی غربی است و ضمناً در مسافتی بسیار دورتر از ایران قرار دارد، از این رو امکان ارتباط امام خمینی با ایران و همین‌طور ارتباط ایرانیها با ایشان بسیار سخت و دشوار خواهد شد و از این طریق نهضت به خاموشی خواهد گرایید. اما دیری نگذشت که این تلقی رژیم، اشتباهی بنیان‌برافکن از آب درآمد. بر اثر این رویداد، نهضت انقلاب ایران جهاتی شد و ارتباط امام با ایران، برخلاف تصور رژیم، به آسان‌ترین روش ممکن عملی گردید. از آن پس بود که امواج انقلاب در درون

ایران نیز غیرقابل مهار گردید و امام خمینی موفق شد کاری را که در طول چهارده سال زمینه‌انجام آن فراهم نشده بود، در مدت چهارماه انجام دهد و رژیم پهلوی با سرعتی غیرقابل باور و پیش‌بینی، سقوط کند. ■

پی‌نوشت‌ها

* کارشناس اسناد و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران

۱. عمادالدین باقی، تولد یک انقلاب؛ زمینه‌ها و عوامل پیدایش انقلاب، تهران، نشر سرایی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۵-۲۲۰
۲. برلی روبین، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرفی، تهران، آشنایی، ۱۳۶۳، صص ۱۵۴، ۱۵۵
۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده امام خمینی، شماره بازایی ۸۸۹، صص ۴۷
۴. همان، شماره بازایی ۸۹۲، صص ۱۳۱
۵. منظور از کد ۶۶ محمدرضا پهلوی است و برای فرح دیبا نیز کد ۳۳ معین شده بود.
۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده امام خمینی، شماره بازایی ۸۹۷، صص ۴
۷. اسماعیل فردوسی‌پور، همگام با خورشید؛ از ایران تا ایران، فردوس، مجتمع فرهنگی اجتماعی امام خمینی فردوس، ۱۳۷۲، صص ۴۶۷، ۴۶۸
۸. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده‌های امام خمینی، شماره‌های بازایی متعدد.
۹. مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران، نهضت آزادی ایران، چ پنجم، ۱۳۶۳، صص ۴۹
۱۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده امام خمینی، شماره بازایی ۸۹۲، صص ۲۲، ۲۴
۱۱. همان، شماره بازایی ۸۹۴، صص ۲۶
۱۲. صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی، ج ۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، صص ۵۰، ۵۰، ۴۹۶-۴۸۳، ۴۲۹، ۴۳۲
۱۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده امام خمینی، شماره بازایی ۸۹۱، صص ۶۱
۱۴. غلامرضا نجانی، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله ایران، ج ۲، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چ چهارم، ۱۳۷۳، صص ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰،